روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

پنجشنبه | ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ | ۱۰ صفر ۱۴۴۶ | ۱۵ آگوست ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۴۱۱۰ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۹ سال و ۳۲۶ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4110 | THU.AUG.15, 2024 | ISSN:2008-2886

روایت معاون اجرایی رئیس‌جمهور از انتخاب گزینه وزارت کشور

مؤمنی گزینه شخص پزشکیان است

صفحه ۲

نخستین تماس تلفنی پزشکیان با ظریف بعد از استعفا و ادامه غیبت او در جلسات هیأت دولت

دوری و دوستی؟

صفحه ۲

ایستاده در مقابل جنگ روانی دشمن

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای کهگیلویه‌وبویراحمد، شناخت توانایی‌های خود و پرهیز از بزرگنمایی توان بدخواهان را راه مقابله با ترساندن و عقب نشاندن ملت ایران خواندند

صفحه ۲

عکس: Leader.ir

تیترهای امروز

عضو ارشد دفتر سیاسی حماس مذاکرات قطر را فریبکاری آمریکا و اسرائیل دانست

نه به بازی آمریکایی

■ ارزیابی مشترک امریکن اینترپرایز و سی‌ان‌ان: قسام در غزه احیا شده است

صفحه ۷

گزینه وزارت نفت در دفاع از حضورش به عنوان گزینه وزارت هیچ حرف و برنامه‌ای نداشت

پاک‌نژاد: خودم ۸ صبح فهمیدم!

همین صفحه

ایران در صدر جدول کسب مدال به ازای تعداد ورزشکار در المپیک

نقطه‌زن

صفحه ۶

«وطن امروز» از اقدامات دولت سیزدهم برای گسترش حمل و نقل گزارش می‌دهد

روی ریل توسعه

صفحه ۳

نگاهی به آثار مرحوم سیدضیاءالدین دری که نقش مهمی در تبیین تاریخ معاصر ایران داشت

علیه خودباختگی

صفحه ۸

یادداشت روز

انتظار کابوس‌وار صهیونیست‌ها!

[شهاب خادم]

ترور مجاهد شهید «اسماعیل هنیه» رهبر جنبش مقاومت حماس شاید خوشحالی موقت را در کوتاه‌مدت برای صهیونیست‌ها در پی داشت اما قطعا این اقدام تروریستی در میان‌مدت و درازمدت تبعات سنگینی برای رژیم صهیونیستی به ارمغان خواهد آورد. هدف صهیونیست‌ها از این ترور ایجاد خلل در سطح رهبری جنبش حماس در داخل و بیرون غزه بود اما انتخاب فوری شهید زنده «یحیی سنوار» به عنوان رهبر جدید این جنبش همه را غافلگیر کرد و نشان داد قدرت حماس نه‌تنها تضعیف نخواهد شد بلکه تقویت نیز می‌شود.

اما فارغ از اثرات سیاسی این ترور بر تحولات داخلی حماس و به طور کلی مقاومت در منطقه، صهیونیست‌ها ساعاتی پس از ترور که رهبر اندیشمند انقلاب فرمودند قاطعانه به این اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی پاسخ خواهیم داد، خواب و خوراک ندارند و در سایه ترس و هراس به سر می‌برند.

۱- حملات موشکی و پهپادی ایران در بامداد ۲۶ فروردین که در پاسخ به حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق در ۱۳ فروردین انجام شده از یک سو طعم قدرت موشکی و پهپادی ایران را به صهیونیست‌ها چشاند و از سوی دیگر پرده جنگ نیابتی را برانداخت. تجربه این اقدام نظامی مستقیم ایران علیه صهیونیست‌ها نشان داد جمهوری اسلامی ایران زین پس هر وقت اراده کند دیگر نه از طریق متحدان خود در جبهه مقاومت بلکه به طور مستقیم به اقدامات رژیم صهیونیستی قاطعانه پاسخ خواهد داد. این در حالی است که به گفته تحلیلگران نظامی، قصد ایران در حملات ۲۶ فروردین تحمیل تلفات به صهیونیست‌ها نبود و جمهوری اسلامی ایران با حملات هدفمند از جمله به پایگاه استراتژیک نواتیم تنها به دنبال اثبات توان نظامی خود و آشکار کردن ضعف دفاعی رژیم صهیونیستی در برابر قدرت نظامی ایران بود.

۲- تجربه حملات موشکی ـ پهپادی ایران در فروردین اکنون مقامات رژیم صهیونیستی و شهرک‌نشینان را بیش از پیش در ترس و وحشت فرو برده است. روزنامه عبری‌زبان اسرائیل هیوم با اشاره به این موضوع که حمله بعدی ایران بزرگ‌تر و پیچیده‌تر است نوشته: ایران دارای موشک‌های بالستیک بسیار پیشرفته از جمله شهاب ۳ و خیبرشکن است که ممکن است با آن به اسرائیل حمله کند. اسرائیل هیوم و دیگر رسانه‌های صهیونیستی همچنین از آماده‌سازی پناهگاه‌های زیرزمینی برای در امان نگه داشتن سران این رژیم در برابر حملات ایران خبر داده‌اند.

۳- کابوس پاسخ مستقیم نظامی ایران، خواب را هم از مقامات رژیم صهیونیستی و هم از شهرک‌نشینان گرفته است. بسیاری از شهرک‌نشینان برای نجات خود به دنبال خارج شدن از اراضی اشغالی هستند و فرودگاه‌های اصلی اسرائیل روزهای بسیار شلوغی را سپری می‌کنند. مقامات شهری و خدماتی اسرائیل در حال آماده‌سازی برای حملات ایران هستند و روزانه به شهرک‌نشینان در این زمینه توصیه‌ها و هشدارهایی می‌دهند. شهردار کریات شمونه در حیفا گفته ۹ میلیون اسرائیلی در ترس و وحشت به سر می‌برند و از مقامات این رژیم خواسته برای جلوگیری از حملات ایران دست به حملات پیش‌دستانه بزنند!

۴- بی‌اطلاعی از نحوه و زمان پاسخ ایران بر ترس و وحشت صهیونیست‌ها افزوده است! صهیونیست‌ها طی ۲ هفته گذشته از ترس پاسخ ایران در وضعیت انتظار و وحشت به سر می‌برند و به‌رغم تلاش‌های فراوان و حمایت‌های نامحدود سرویس‌های اطلاعاتی غرب و آمریکا، هنوز نتوانسته‌اند بفهمند زمان و نوع این پاسخ چگونه خواهد بود. «اسرائیل زیو» فرمانده سابق شعبه عملیاتی ارتش رژیم اشغالگر و ژنرال ذخیره در این ارتش با اشاره به همین مساله می‌گوید اسرائیل در سایه انتظار برای پاسخ ایران، روزهای بسیار پرتنشی را می‌گذراند.

۵- غیر از جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان به خاطر ترور شهید سیدفؤاد شکر و انصارالله یمن در پاسخ به حمله جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به بندر الحدیده در صف انتقام از اسرائیل قرار دارند. با توجه به همزمانی این رویدادها، برخی تحلیلگران نظامی می‌گویند ایران، حزب‌الله و انصارالله قصد دارند حملات هماهنگ‌شده‌ای را علیه رژیم صهیونیستی انجام دهند و یکی از دلایل طولانی شدن پاسخ ایران به اسرائیل همین است، چرا که برنامه‌ریزی برای حملات گسترده هماهنگ به زمان بیشتری نیاز دارد. ضربات جداگانه انصارالله و حزب‌الله به رژیم صهیونیستی از زمان جنگ غزه وحشت صهیونیست‌ها را دوچندان کرده است و چگونگی تقابل با این حملات یکپارچه چندجانبه خواب را از مقامات اسرائیلی و آمریکایی ربوده است. در همین راستا آمریکا طی چند روز گذشته تجهیزات پیشرفته‌ای را به فلسطین اشغالی اعزام کرده است، از جمله ۲ جنگنده اف ۲۲، یک ناوگروه ضربتی به رهبری ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن و یک زیردریایی مجهز به موشک‌های کروز به نام یو اس اس جرجیا. به‌رغم همه اینها صهیونیست‌ها از قدرت موشکی ایران برای عبور از پدافند این رژیم و متحدانش آگاه هستند و همین باعث شده است روزهای کابوس‌واری را از سر بگذرانند.

نکته

تأملی در بیانات رهبر انقلاب

شهید و تغییر معادله ترس

جعفر علیان‌نژادی: بیانات روز گذشته مقام معظم رهبری در جمع اعضای کنگره شهدای استان کهگیلویه‌وبویراحمد، حائز نکته‌ای روشنگرانه درباره عملیات روانی دشمن بود که با نظر به فضای فعلی سیاسی و اجتماعی کشور، قابل تحلیل و معنادار است.

شاید بتوان گفت یکی از بی‌دردسرترین و کم‌هزینه‌ترین تکنیک‌های ایجاد روابط سلطه، ایجاد انفعال در دستگاه محاسباتی طرف مقابل است؛ انفعالی که منجر به محاسبه اشتباه و غلط از توان خود و توان دشمن شود. یعنی توان خود را کم و قدرت حریف را بالا ارزیابی کند. انفعال نفسانی در بدن اجتماع وقتی رخ می‌دهد که دچار ترس، اندوه و یأس شود. این ۳ امر سلبی اگر به هر طریقی به تن جامعه بیفتد و تبدیل به متغیرهای تحلیلی و بینشی آحاد اجتماع شود، خروجی آن انفعال، وابستگی، اثرپذیری و کاهش مستمر مقاومت خواهد بود.

از این نظر استقلال هر جامعه‌ای بستگی بسیار زیادی به وجود نشانه‌های زنده‌ای از شجاعت، نشاط و امید دارد. قهرمانان در هر جامعه واجد چنین کارکردی هستند. به یک معنا می‌توان آنان را فاتحان میادینی دانست که در برابر مهابت حادثه و ابهت حریف نهراسیده و با تمام وجود سینه سپر کرده‌اند.

با این حال ملت‌هایی هستند با اینکه قهرمان دارند اما مغلوب معادله تزریق هراس سلطه‌گران می‌شوند، چرا چنین است؟ چون قهرمانان‌شان در دل تاریخ مانده، استثنا شده و نتوانسته‌اند هیچ دنباله و پیوستگی تاریخی عزت‌آفرین ایجاد کنند.

در مقابل، اگر قهرمانان یک سرزمین پرتعداد، پیوسته، جاری و زنده باشند، آن ملت به یک فرهنگ قهرمانی دست می‌یابد که هر ترس و یأس و اندوهی را در خود هضم و هدم می‌کند. این قهرمانان از حافظه جمعی ملت‌شان پاک نمی‌شوند، در دل تاریخ نمی‌مانند، زنده‌اند و زنده می‌سازند و بنا بر وعده الهی در انتظار قهرمانان بعدی به سر می‌برند.

شهدا، معادله ترس را اینچنین تغییر می‌دهند و قاعده «النصر بالرعب» دشمن را باطل می‌کنند، چرا که شهادت، فرهنگ قهرمانی چنین سرزمینی شده و طبیعتا «ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد». ترس در او راه نمی‌یابد و در برابر عملیات روانی دشمن مقاومتش نمی‌شکند.

یاد مستمر شهدا، حتی جلوی بروز انفعال تاکتیکی در برابر ترس، اندوه و یأس را می‌گیرد. از این نظر بزرگداشت شهدا، به معنای تحکیم مقاومت و حفظ مستمر استقلال ملی علیه انعقاد روابط سلطه است.

درباره مصائب ناشی از فقدان گفتمان در تشکیل دولت مسعود پزشکیان

امکان و امتناع کابینه وفاق ملی

یادداشت

حمید ملک‌زاده*: بعد از معلوم شدن نتایج انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری، یک طرح پرسروصدای تازه از طرف کمپین انتخاباتی آقای دکتر مسعود پزشکیان مطرح شد: شورای راهبری. شورای راهبری با مدیریت دکتر محمدجواد ظریف در ساحت نظر به عنوان سازوکاری جدید برای تعیین اعضای کابینه دولت چهاردهم معرفی شد. این شورا در بیان محمدجواد ظریف بنا بود خلأناشی از فقدان سازوکارهای حزبی برای تشکیل دولت را پر کند. اینطور ادعا می‌شد که شورای راهبری بر اساس «اصول گفتمانی دولت چهاردهم» تلاش می‌کند گزینه‌های مناسبی را برای مسؤولیت‌های مختلف در «دولت وفاق ملی» پیشنهاد کند. ایده شورای راهبری جدید بود و امیدهایی را در دل رأی‌دهندگان و گروه‌های سیاسی در کشور ایجاد می‌کرد. با این وجود ۲ مساله اساسی از همان ابتدا موفقیت این شورا و مطلوبیت نتیجه حاصل از آن را با تردید همراه کرده بود:

الف - فرمالیسم افراطی موجود در سازوکارهای پیش‌بینی‌شده برای تشکیل و پیشبرد امر شورای راهبری؛

ب- ابهام در معنا و ویژگی‌های گفتمانی دولت مسعود پزشکیان. از طرفی فرمالیسم افراطی در روندهای مربوط به شورای راهبری کار پیشنهاد وزرا به رئیس‌جمهور را طولانی، پیچیده و برخلاف پیش‌بینی‌های دکتر ظریف، مبهم و نامعلوم کرده بود و از طرف دیگر فقدان یک‌جور گفتمان معنادار سیاسی که شخص رئیس‌جمهور را بتوان به‌عنوان نماینده یا سرآمد گفتمانی آن معرفی کرد، معیارهای واقع‌بینانه و مناسب برای ارزیابی نامزدهای پست‌های اصلی دولت، اعم از رؤسای سازمان‌ها و معاونان رئیس‌جمهور را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌داد. از ابتدا معلوم بود که پیشنهادهایی که شورا در اختیار رئیس دولت چهاردهم قرار می‌دهد، نهایتا پیشنهادهای گروهی از فعالان سیاسی خواهد بود که حول محور رئیس شورای راهبری جمع شده و بر اساس فهم ایشان از «کاری که دولت چهاردهم باید انجام دهد» تعیین می‌شوند. پیچیدگی‌ها و مسائل ناشی از این ۲ موضوع، در نهایت به ظهور مجموعه‌ای از اختلاف‌نظرها، انتقادات و چالش‌های درونی در میان حامیان کمپین انتخاباتی آقای رئیس‌جمهور منتهی شد؛ چالش‌هایی که با انتخاب معاون اول کابینه صورت رسمی‌تری پیدا کرده و در نهایت با استعفای دکتر محمدجواد ظریف از معاونت راهبردی دولت چهاردهم به اوج خود رسید. در این یادداشت تلاش می‌کنم موضوعات مطرح شده درباره کابینه دولت چهاردهم را از چشم‌انداز ابهاماتی که فکر می‌کنم درباره مفهوم «وفاق ملی» در ذهن رئیس دولت چهاردهم و اعضای کمپین انتخاباتی او وجود دارد مورد بررسی قرار دهم و این مساله پیش‌تر گفته شده را برجسته کنم که چطور دولت پزشکیان فاقد یک مبنای گفتمانی مشخص است.

■ نامفهوم وفاق ملی

من البته بر این باور هستم که باید برای داوری کردن درباره دولت دکتر مسعود پزشکیان تا زمان استقرار کامل دولت و معلوم شدن روندهایی که بناست برای اداره امور کشور مورد استفاده قرار بگیرد تأمل کرد؛ یعنی فکر می‌کنم هنوز تا زمانی که دولت پزشکیان استقرار نیافته و کار اداره امور کشور را به طور کامل در اختیار نگرفته باشد، نمی‌توانیم چیز معناداری درباره کارآمدی یا ناکارآمدی انتخاب‌های رئیس دولت یا درستی یا نادرستی روندهایی که در آنها قرار گرفته بگوییم؛ با این وجود نباید از بحث درباره معانی ضمنی انتخاب‌های مورد نظر و سازوکارهای مربوط به تشکیل کابینه هم سکوت کرد: این شکلی از مشارکت همدلانه در سرنوشت مشترکی است که با انتخاب مردم به دست دکتر مسعود پزشکیان سپرده شده است. اصطلاح «وفاق ملی» را عموما به عنوان مفهوم بنیادین گفتمانی که به دولت چهاردهم منتسب می‌کنند به کار می‌برند. وفاق ملی از جهات مختلفی در ادبیات دکتر مسعود پزشکیان و حلقه نزدیکان او هنوز حیثیت مفهومی به دست نیاورده است. یعنی اصطلاحی است که هر بار آن را برای نامیدن چیزهای متفاوتی به کار می‌برند. چیزها یا وضعیت‌هایی که در بعضی موارد حتی ممکن است در تباین با یکدیگر قرار داشته باشند. همین کاربرد دلبخواهی و اقتضایی مفهوم وفاق ملی را می‌شود به عنوان نقطه عزیمت بحث درباره ناگفتمان دولت چهاردهم مورد استفاده قرار داد. ناگفتمانی که بیش از هر جای دیگری در عدم انسجام و ناهماهنگی میان مجموعه گروه‌ها و فعالان کمپین انتخاباتی پزشکیان درباره موضوعات اساسی و تصمیمات بنیادین رئیس دولت چهاردهم مشهود است. این اقتضایی بودن مفهوم وفاق ملی در ادبیات دکتر مسعود پزشکیان و دولت او را بیش از هر جای دیگری می‌توان در ترکیب کابینه پیشنهادی پزشکیان و واکنش مهم‌ترین گروه‌های حامی او در انتخابات ریاست‌جمهوری مشاهده کرد. از مجموع آنچه درباره مفهوم وفاق ملی در اختیار داریم، می‌توان اینطور ادعا کرد که گروه‌های مختلف چند معنای متفاوت را از آن افاده می‌کنند.

الف- حامیان انتخاباتی دکتر پزشکیان و رقیبان کمپین انتخاباتی او

حامیان و گروه‌های فعال در کمپین انتخاباتی دکتر مسعود پزشکیان، وفاق ملی را به اعتبار مشارکت و حضور معنادار و فعال افرادی از گروه و جناح سیاسی خودشان در کابینه یا پست‌های مدیریت کلان دولت تعریف می‌کنند. این موضوع درباره جناح رقیب کمپین پزشکیان نیز صادق است. آنها فکر می‌کنند اگر چه در انتخابات پیروز نشده‌اند اما اگر وفاق ملی معنایی داشته باشد باید با سهیم‌شدن آنها در قدرت مجتمع در قوه مجریه همراه شود. در این معنا وفاق ملی به حضور گروه‌ها یا افراد خاصی در قدرت مشروط می‌شود. همان‌طور که معلوم است در اینجا امر ملی به قدرت در قوه مجریه و وفاق به سهم داشتن از این قدرت تقلیل داده شده است.

ب- دکتر مسعود پزشکیان و حلقه نزدیکان او

دکتر مسعود پزشکیان فهم ساده اما کاربردی‌تری از وفاق ملی دارد. پزشکیان نیز درست مثل دودسته قبلی وفاق ملی را به عنوان وفاق، نزدیکی و مشارکت همه جناح‌ها می‌فهمد. با این تفاوت که به نظر می‌رسد برای او این مشارکت و سهیم شدن باید با کنارگذاشتن اختلافات بنیادین و ریشه‌های رقابت جناحی و نهایتا برای پیشبرد هدف واحد پرداختن به امر مشترک صورت پذیرد. این برداشت رمانتیک از مفهوم وفاق ملی، در عین‌حال دولت‌محور است؛ یعنی بر پایه سازوبرگ مادی قدرت در قوه مجریه صورت‌بندی‌شده و به گردهمایی جناح‌ها و اصحاب قدرت در کابینه و مجموعه قوه مجریه محدود می‌شود.

ج- فهم عمومی از ایده وفاق ملی

فهم دیگری از وفاق ملی وجود دارد که عموما آن را در گفت‌وگوهای روزمره یا نوشته‌های روزنامه‌ای درباره سیاست در ایران می‌شود پیدا کرد. این فهم از اصطلاح وفاق ملی بعضا با برخی رویکردهای انتخاباتی مسعود پزشکیان نیز همخوانی دارد. در اینجا وفاق به معنای دوستی، مهربانی، مروت و ارزش‌ها و فضیلت‌های مدنی دیگری مانند اینها فهمیده می‌شود. کسانی که از این صورت‌بندی دفاع می‌کنند عموما به دنبال ترویج دوستی و صلح میان جناح‌های سیاسی، میان مردم با حکومت و حکومت با مردم هستند. این روایت هم نوعی رمانتیسم غیرسیاسی و ناواقع‌گرایانه را در فهمی که از مفهوم وفاق دارد ترویج می‌کند.

■ وفاق ملی و ناکابینه مسعود پزشکیان

همه معانی پیش‌بینی‌شده برای پر کردن معنای اصطلاح وفاق ملی از جهتی ناکافی هستند. روایت اول از وفاق ملی در زمخت‌ترین حالت ممکن از یک فهم سیاسی، به حضور در قدرت و برخورداری از سهمی در قدرت مجتمع در قوه مجریه محدود شده است. در حالی که روایت‌های دوم و سوم اصولا با نادیده گرفتن تفاوت‌های اساسی و فاصله پرناشدنی میان رویکردهای سیاسی متفاوت برای اداره کشور، به یک‌جور فهم غیرسیاسی از این اصطلاح منتهی می‌شوند. من، برخلاف آنچه ممکن است مورد قبول افراد مختلف باشد، این هر ۳ روایت از مفهوم وفاق ملی را ناکافی می‌دانم و بر همین اساس بر این باور هستم که ترکیب پیشنهادی کابینه دکتر مسعود پزشکیان، در غیاب یک گفتمان مشخص سیاسی در دولت چهاردهم و تحت تأثیر درونی شدن منازعات انتخاباتی در کابینه دولت چهاردهم، از ابتدای امر، روند کار کابینه را با ناکارآمدی‌های قابل‌توجهی مواجه خواهد کرد. رقابت درونی حامیان انتخاباتی پزشکیان برای سهم بردن از دولت چهاردهم، وقتی با رقابت‌های درونی شده در کابینه پزشکیان با رقبای انتخاباتی بیرونی تجمیع شود، مجموعه‌ای از نیروهای دافع یکدیگر را در کابینه او به وجود می‌آورد که کار اداره امور و هم‌افزایی میان وزارتخانه‌های مختلف در مسیر پیشبرد اهداف ملت را به مخاطره خواهد انداخت. رقابت سیاسی درون کمپین پزشکیان برای سهم‌بری از قدرت و رقابت سیاسی این کمپین با رقیب انتخاباتی خود موضوعی واقعی است که اگرچه ممکن است تلاش کنند در رسانه‌ها یا در پیشگاه افکار عمومی آن را پنهان کنند، اما در واقعیت عمل کابینه خود را به شکل بروز انواع ناکارآمدی‌ها نشان خواهد داد.

■ وفاق ملی؛ رویکرد ایجابی

پیش‌تر در یادداشتی در همین زمینه نوشته بودم که دولت پزشکیان برای اینکه به شکل معناداری از سرمایه اجتماعی خود استفاده کند، باید به جای تحقق وعده‌های انتخاباتی، به فکر اصلاح روندهای سیاسی در کشور باشد. از این جهت مفهوم وفاق ملی را باید به‌عنوان تلاش برای ایجاد همدلی و توافق عمومی میان مردم، حکومت و نخبگان سیاسی درباره اصل حکومت قانون، در سایه اصول بنیادین تشکیل‌دهنده نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف کرد. حل‌کردن شکاف‌هایی که در طول سال‌های متمادی به بیماری خودایمنی دولت در ایران بعد از انقلاب منتهی شده را تنها در صورتی می‌توان دنبال کرد که نیروهای فعال و اثرگذار در شکل‌گیری این بیماری، با نظارت جدی و معنادار گروه‌های رقیب‌شان آن را دنبال کنند. در غیر این صورت تنها چیزی که برای ما باقی می‌ماند پرواز دوباره میکروفن‌هایی است که به بهانه کارشکنی نیروهای متعارض تشکیل‌دهنده کابینه، نه در مقابل دوربین‌های تلویزیونی، بلکه در جلسه هیات دولت، به سمت آقای رئیس‌جمهور پرتاب خواهد شد. افق نگران‌کننده‌ای که در بدترین حالت خود با استعفای وزرایی که به‌جای پذیرفتن مسؤولیتی که برعهده گرفته‌اند، به بحران اجتناب‌ناپذیر کارآمدی در دولت او دامن می‌زنند.

***پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی**

گزینه وزارت نفت در دفاع از حضورش به عنوان گزینه وزارت هیچ حرف و برنامه‌ای نداشت

پاک‌نژاد: خودم ۸ صبح فهمیدم!

گروه اقتصادی: جلسه محسن پاک‌نژاد، گزینه پیشنهادی پزشکیان برای وزارت نفت با کمیسیون انرژی برگزار شد و ابتدا سوابق امنیتی وی، بررسی و باعث شد برخی نمایندگان از انتخاب او برای وزارت نفت تعجب کنند. او در نخستین جلسه در پاسخ به اینکه چه برنامه‌ای برای صنعت نفت دارد، گفت: خودم ساعت ۸ صبح متوجه انتخابم برای وزارت نفت شدم! بلافاصله پس از آن «رمضانعلی سنگدوینی» نماینده گرگان و نایب‌رئیس کمیسیون انرژی مجلس در توئیتی نوشت: وزیر پیشنهادی نفت را نمی‌شناسم. پاک‌نژاد برنامه‌ای نداشت! موضوع دیگر و البته حاشیه‌ای‌تر، به رابطه ویژه پاک‌نژاد و زنگنه مربوط است. برخی نمایندگان معتقدند او مهره زنگنه است و قرار شده تفکرات وزیر سابق را در نفت پیاده کند که با پاسخ‌های غیرشفاف و صریح پاک‌نژاد مواجه شدند.

ادامه در صفحه ۶